

خانواده مکنت اسلام

گردآورنده: منصوره رحماندوست



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جذب و انجذاب را به‌طور حکیمانه بین زن و مرد قرارداد و ازدواج را سه عنوان راهی ضابطه‌دار و قانون‌مدار برای تنظیم ارتباط فوق‌الذکر تشریح فرمود. در واقع ازدواج، مرد و زن را منحصرأ برای هم قرار می‌دهد تا آثار و کارکردهای

خانواده، کانونی مقدس

طراحی آفرینش به‌گونه‌ای بوده است که بقای نسل آدمی تنها از طریق ارتباط مرد و زن صورت گیرد. خداوند عوامل

۴۸

پورتال

سریه ماهانه آموزشی - تربیتی
فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷
شماره ۳۲۲ - ۳۲۴

فراوانی برای این کانون نوپا قائل شود. اولین اثر و کارکرد این ارتباط که در قرآن بسیار ستوده شده است، کارکرد عاطفی - روانی است.

هر یک از زن و مرد در سایه ازدواجی صحیح و رضایتمندانه به عاطفه و مودت راه می‌یابند و در سایه سار علاقه و عطوفت یکدیگر می‌آرامند؛ گرچه در این میان آرامش و سکونتی که زن می‌تواند به مرد هدیه کند، فراختر، عمیق‌تر و بهجت‌آورتر است. احساس امنیت همان‌طور که برای دو همسر به وجود می‌آید، زیباترین و بهترین گوهری است که به فرزندان نیز هدیه می‌شود. به عبارت دیگر در صورتی که والدین سخاوتمندانه این محبت را نثار یکدیگر کرده، همواره بر مسیر تأدب قدم بردارند، فرزندان نیز از خشکای محبت و امنیت برخوردار می‌شوند. همه مکاتب تربیتی در پی ایجاد امنیت روانی اند که از نظر دین باید در خانواده جست و جو شود. پس، خانواده از این حیث کاملاً مقدس است (حسن ملکی، ۱۳۸۴).

از سوی دیگر خانواده از نظر اسلام جایگاه منحصر به فرد پدیدآیی نسلی پاک است. نسلی که می‌داند به که تعلق دارد و از کدام ریشه جوانه زده است. روشن است که همواره فرزندان نامشروع، یک معضل اجتماعی به حساب می‌آیند و علاوه بر آن که به شدت در بحران هویت غوطه‌ورند، از نظر رفتاری نیز دچار نابهنجاری‌های بی‌شمارند. بنابراین خانواده دارای بنیانی کاملاً مقدس است.

از نگاه سوم، بدیهی است که غریزه جنسی از جمله غرایز فعال آدمی است که در یک سیستم خودکار عمل می‌کند و به هر صورت در پی راه تأمین می‌گردد. آزادسازی این غرایز در جامعه انسانی دقیقاً مساوی با حیات حیوانی نیست، چرا که در زندگی غریزی حیوانات نیز نظام معین حاکم است که غرایز آن‌ها را طی اصول مشخصی جلو می‌برد، لیکن در مورد انسان‌ها همواره آزادی جنسی مساوی با لطمات و صدمات جبران‌ناپذیری بوده است که ابعاد عظیم کره خاک را در خود فرو برده است.

اگر در مقام مقایسه با سایر مکاتب بخواهیم به ویژگی‌های بارز خانواده در اسلام اشاره کنیم باید به نکاتی که مطرح شد توجه نماییم. مثل این که خانواده دارای کارکرد عاطفی، روانی، اقتصادی، جنسی و غریزی، تربیتی و جامعه‌پذیری است. یعنی یک خانواده مطلوب و متعادل در یک وضعیت ایده‌آل، در صورتی تأم است که این ثمرات را به همراه داشته باشد و افراد در آن احساس امنیت و به فرموده قرآن احساس سکونت و مودت کنند. مودت به معنای اظهار محبت است. محبت قلبی به تنهایی کافی نیست، قرآن سخن از اظهار محبت یعنی مودت دارد. در زندگی نمونه حضرت زهرا سلام الله علیها و امیرالمؤمنین علیه السلام، با

جلوه‌های فراوانی از اظهار محبت و ارادت این دو بزرگوار نسبت به یکدیگر و نسبت به فرزندان و از سوی فرزندان به والدین رویه‌رو می‌شویم که وصف ناشدنی‌اند (سالاری، فر، ۱۳۸۴).

نقش پدر در خانواده اسلامی

در تفکر دینی، پدر به عنوان اولین مسئول تربیت شناخته می‌شود. قرآن به پدران خطاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقْوُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (سوره مبارکه تحریم، آیه ۶). خود و خانواده خود را از آتش (غضب الهی) دور نگاهدارید و حفاظت کنید. یعنی پدران از نظر دستگاه عدالت الهی موظف‌اند اسباب قریب و بعید هدایت و سلامت معنوی خانواده را فراهم نمایند. بر طبق روایات اسلامی، پدران موظف‌اند حتی نسبت به بچه‌ای که مادرش را رها ساخته‌اند، اسباب تعلیم و تأدیب را فراهم کنند، قرآن بیاموزند و ... نه این که مادران حق تربیت فرزندان را نداشته باشند، بلکه خداوند گروه پدران را نسبت به این امر موظف ساخته، طبعاً در این باره آنان را بازخواست می‌کند. در حالی که در عرف جامعه، نوعاً پدران تحکم‌آمیز و آمرانه، مرتباً مادران را نسبت به خطای فرزندان بازخواست می‌کنند. تأمین آسایش مالی فرزندان و همسر نیز بر عهده پدران است. البته همین دو مقوله آن چنان سنگین است که ادای آن‌ها را توسط پدران و حرمت و احترام آنان را به همسر و فرزندان حتمی و واجب می‌سازد. از این جهت حق پدران بسی سنگین است که باید در ادای آن و ابراز فروتنی و قنوت نسبت به آن‌ها کوشید. بدیهی است که هر خانواده نیاز به مدیری واحد دارد که با تصمیم‌گیری نهایی بتواند ایجاد نظم کند. این امر در خانواده مسلمان بر عهده مردان (پدران) نهاده شده است (حسن ملکی، ۱۳۸۴).

نقش مادر در خانواده اسلامی

مادری نیز از نظر معارف دینی عنوانی ویژه است. یعنی زن با عنوان مادری دارای یک شخصیت حقوقی خاص می‌شود. مادری اصولاً طیف خاصی از رفتارهاست که در نهاد هر دختری بالقوه وجود دارد. مگر آن که با تربیت غلط یک اختلال جنسی در فرد ایجاد کرده باشیم. در روال عادی هر دختری مهتای ابراز رفتار مادرانه است. این رفتار اصولاً در جنس مؤنث وجود دارد، ولی در انسان‌ها بسی معنادار و هدفمند است. از نظر دین، پیدا شدن آثار حمل و تحمل مشقات بارداری ظرفیت ویژه‌ای می‌طلبد که در زن مهیاست و با وجود آن که مرحله به مرحله بارداری از نظر جسمی برای یک زن به معنای فزونی یافتن سختی‌هاست،

ولی از نظر روانی مساوی با گذران لحظاتی شاد و با نشاط است.

خداوند بین زنان و آفرینش پیوندی ناگسستنی قرارداده است. این پیوند با تولد بچه خاتمه نمی‌یابد، بلکه مادر با توانایی خداداد عاطفی فرزند را از سرعشق می‌پروراند تا به بار بنشیند. بچه به مادر نیاز دارد و دین این حق را از وی نمی‌ستاند، ولی در عوض تحمل این مشقات، خداوند حقوق خاصی برای مادران قرار داده است که بدون تعارف از حقوق پدران سنگین‌تر است. در رساله حقوق، حضرت امام سجاد علیه السلام هم ابتدا حق ماسدر بر فرزندان را مطرح ساخته، آن را تعظیم می‌نماید. حال اگر مادری حقیقتی

است که بهشت الهی تحت آن قرار دارد، یعنی لذات بهشتی پیشکش مادران شده است، پس قطعاً معنای آن وسیع‌تر از تنظیم امور مربوط به جسم یک فرزند است. در واقع مادر در ابراز عظوفت و مهر ناقل یک فرهنگ به فرزند خود است که هر چه خود غنی، متأدب، آگاه و متخلق باشد، با مؤانست و مجالست

خود خواهد توانست آینده معنوی و علمی فرزند را تضمین نماید. حتی گاهی چتر حمایت عاطفی نصیب همسر هم می‌شود، نصیب غیر فرزند هم می‌شود (همان، ۱۳۸۴). چنانچه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، مادر پدر (ام‌ابیها) بودند. در واقع مادری یعنی در کمین فرزند بودن و مترصد وجود و صلاح و خیر او شدن. به برکت خلقت الهی اسباب این امر نیز به طور خودکار عمل می‌کند. همان طور که با بروز علایم بارداری، هورمون «پرولاکتین» در خون ترشح می‌شود که زن را آماده بروز رفتارهای مادرانه می‌کند، خصوصیات عاطفی لازم هم در او قرار داده شده است. به عنوان مثال، سرعت انفعال زن نسبت به فرزند که با هر فریاد یا ناله یا گریه او از جا می‌پرد و به سوی فرزند می‌شتابد. قدرت پاسخگویی مادر به سؤالات تمام نشدنی فرزند به برکت توان بالای سخن گفتن و گنجینه مفاهیم ذهنی اوست که در یک زن ده‌ها بار بیش‌تر از یک مرد است. توان توجه هم‌زمان به چند امر، مثل دیکته گفتن به

فرزند دانش‌آموز، در عین حال پختن غذا و انجام چندین کار توأمان، سیستم شبکه‌ای دریافت‌های مغزی او و ادراک مسایل اخلاقی در قالب یک دستگاه ارتباطی، همه و همه نشان دهنده واقعیتهای به نام مادری، آن هم در یک زن است (همان، ۱۳۸۴).

البته منکر آن نیستیم که رسیدگی به امور فرزندان نیاز به تشریک مساعی والدین دارد، ولی این که مادری با زن گره خورده، غیر قابل انکار است. البته در مقابل این وظایف فطری و طبیعی، خداوند هم حقوق بیشماری برای مادران قرار داده است که از حوصله این مقاله خارج است.

متأسفانه در تفکر غربی به خصوص در معاهدات بین‌المللی، اصرار قانون نویسان بر این است که مادری را نقشی اجتماعی بدانند که ابتدا ارتباط خاص با زن بودن ندارد، بلکه مادری، به معنای مراقبت از فرزند، به طور مساوی باید بین والدین تقسیم شود و هیچ‌گاه نباید یک زن را که دارای فرزند است و به خاطر پیشرفت شغلی اکثر ساعات روز را بیرون از منزل می‌گذرانند، به خاطر فرزند توبیخ نمود (سالاری‌فر، ۱۳۸۴).

در نظام جمهوری اسلامی ایران، از نظر قوانین اساسی و مدنی توجهی ویژه به خانواده شده است. در قانون اساسی، محور تمام برنامه‌ریزی‌های کلان، نهاد خانواده قرار داده شده

است. لیکن به دلیل نبود پژوهش‌های نظام‌مند یا فقدان برنامه‌ریزی کلان اجتماعی با محوریت خانواده یا به دلیل عدم هماهنگی و همکاری لازم میان‌بخشی، آموزه‌های دینی و ملی به طور هم‌زمان و صحیح در بطن جامعه و در متن قوانین جاری نشده است و متأسفانه به جای آن خلأهای موجود با طرح‌های سازمان‌های بین‌المللی پر می‌شود. ما نباید سرمایه‌گرانسنگ و تقریباً منحصر به فرد دینی و شرقی خود را در تقدیس نهاد خانواده از دست بدهیم. (ایتنرت، ۱۳۸۶).

پی‌نوشت‌ها:

- قرآن کریم.
- ملکسی، حسن (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت اسلامی، دیدگاه کلان‌نگر. تهران: عابد.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۴). نظام خانواده در اسلام. تهران: هاجر.
- ایتنرت.

